

8

File No.

1857 .

Collection No. |

MUTINY PAPERS.

Pros. Nos. Files of SIRAJU'Z AKHBAR
Serial Vol. 13 ; no. 14 ; June 19-25, 1857

Subject.

News about The Moghul Court at Delhi.

Foll. 4 ; Size 12" x 7 ³/₄" (Printed).

Previous References.

Later References.

مذکور آمده است امروز بمقام هادری
 که هتیم از فردا صبح بخبر جنبه سا
 خوانده فرمودند که مناسب است
 بعد از آن سواران خبرت که خاک
 تنواتر رساننده فریب دونه
 مردم جنگی از هر جگه بسبب عدم رسیدن
 و البس اند نه نصف النهار هنگام
 نعمت برای مایه طعام کشته
 قیل و لاله گاه اساسا سینه با دای نماز
 نشین و دیگر اشغال نشین عصر
 گذاروند و حکم شیرینی و طعام نمودند
 و بزه برای عطای ملین نصیر باد
 صادر شد و عرض شد که توت
 آنکری از جانب علی لود می آید
 فرماید که بنده دست حتی الوسم
 بنده احسین نهار بعد مغرب
 احترام الدوله هادری را یاد نمودند
یوم یکشنبه و ششم سوال
 بافتار تبا شیر باد و فریضه بجاد گذارده

احترام الدوله هادری را شرف بخش
 شناسی بخشند بعد از آن مرزا ظفر الدوله
 هادری و مرزا خضر سلطان هادری و مرزا
 ابوبکر هادری و دیگر اراکین سپهر گلین
 حاضر دربار شدند شهریار بخش
 اعیان دولت و گان حضرت جلوه
 فرمای تسبیح خانه کشته و اداب و کوشش
 حاضرین پذیرفتند بجهت افسران بلاتن سلا
 حکم نافذ کرده که همچو مختاران سابق سلا
 مصمصام الدوله احمد قلیخان هادری و سلا
 افسران ام نصیر لاد عرضند استینه که سبب
 عدم رسیدن غلامان دست از جنگ
 باز داشته و البس ایدم در نه بان
 حرف غلط نام نستم و سفند باز از صفحه
 اوراق لیل و نهار بگزگ شمشیر خواهم
 برداشت باز با بنگار از آن شاهسی تا کینه
 رفت افسران بلاتن و یک صحبت
 ام جالند حاضر شده زمین خدمت
 بوسیدند فرمان شد که ایشان را برود
 شهر قایم سازند و دیر و خیمه و دکانها
 بقالان و دیگر سامان با محتاج نشان بفرستند

چنانچه ششمنه شهر حسب حکم انور صاحب
 در اینجا فرستاد بعد از دربار بر خاسته
 مسند لندرونی بر راسته نصف النهار
 هنگام نعمت برای مایه طعام گشته
 قتلوه گاه اراکسته با دای نامرکسن
 و دیگر شغال لنین عصر خوانده حضور
 نور که رکاب و عهد عقیدت تاب
 رون افروز تسبیح خوانده افران
 بلاتن باریاب گردیده عرض و معروض
 خود داشتند همرا محمد طهر الدین حکمت
 که جمیع بلاتن تابع و مطیع حکم خویش گردیدند
 شنگاه از دربار بر خاسته
 مغرب اندرون محل گذاروند
 حسب معمول احترام الدوله بهادر
 را یاد فرمودند فقط

بیت نهم سوال یوم دوم

بجز این خسرو خاور علم کو بهاران
 شهر یاز اوای فریضه باید او نموده
 احترام الدوله بهادر را رنیزت

۳ متنای گردند بر وقت حضور
 مرزا محمد طهر الدین بهادر و مرزا
 خضر سلطان بهادر و مرزا محمد
 ابو کر بهادر و دیگر فرزندان والا
 تبار و جمیع ارای و سرداران
 تهور شعار مسند تسبیح خانه اراکسته
 بعد از برای محراب تسلیم بار بامان
 در بار طابک نعیم بصوبه دارالکتاب
 فرمان شده که فهرست افران
 بلاتن خود ارسال حضور سازند
 که از شنگاه والا افسر مرید ملتق
 از شامان سفر نموده این شفق گرا
 مرقعه بنام محمد مرزا طهر الدین بهادر
 از دارالکتاب شدت فرود داشت
 که کارخانه کودام و رسد رسائی بلا
 از شنگاه بان بر خوردار کار موقوف
 شده که ایشان با حسن و جویبار
 انتظام ان کند که با نر احدی شکایت
 گذار عملت ای نباشد بعد از
 در بار بر خاسته نصف النهار
 هنگام نعمت برای مایه طعام گشته

در استند بادای نماز نشین و دیگر
 اشغال نشین عصر خوانده احسن
 نهار حمله شاهی و باغبان خلافت بیاید
 برود دولت سرا حاضر اداب
 و کورنش معروض نمایند به عرض
 رسید که مردمان باقیات بلاتن
 فرود و کورن قریب دو صد کسند
 حاضر بارگاه شدند حکم شد که
 بجای دنی دریا کج فرودگاه شان
 قرار دند و خبر گیری خواک نموده
 شود بعد بنوب احترام الله و کورن
 را یاد نموده فقط

یوم سه شنبه سی شوال

عبادت سموا از فریضه بادا نفع
 یافته احترام الله و له بهادر است
 تنبض شناسی بخشیده فرزند
 نادر و امرای باوقار حاضر بارگاه
 جهان بنیاه گردیده اداب و کورن
 معروض گردانیدند مزاجه علمیه

۴ بهادر حسب الحکم قدس فوج و سکنه از
 رای مقابله مخالفان روانه هرگاه
 نموده جانچه با دشمنان دین بجنگ
 نه پیوستند و هنگام کارزار گرم سینه
 و سواران نحر آوری معین شدند
 و آن جالاگان خبرهای جنگ لمح محصور
 رسانیدند قریب دو پهره از راه وح
 بذات خود معوض خویش روانه گردیدند
 بعرض رسید که او صد نفر سوار ساله
 سکنه را از طرف هانسی بدلی رسانیدند
 نصف آنها به مقام نعمت پیرای طغام
 کشته قتلوه گاه ارا سینه بادا
 نماز نشین و دیگر اشغال نشین
 عصر که از نه عرضی نور صمد خان از
 مقام شبانه تشتمن بی نظمی انجام داده
 امداد و کمک از سرکار والا بملاحظه
 انور گذشت حکم که شقه خاص بنا سم
 آن بهادر بدین مضمون جاری شود
 که به جمعیت پیرای خود و ساکنین انجا
 و زمینداران قریب حوا را بالفعل به طغام
 انجام بداند و در وقت تقییح ممالک اید محولی

بمنقده فخر خواهم رسيدت سگاه
احترام الدوله ببادر را ياد نمودند
و تهازه دارشاد به ره چندگان قوم
کوچران را بعلت غارتگری و مجرم
نبودن در کتایان بحضور ارسال
داشت حکم که مجرمان را با بچولان
نموده در کوه توالی سقیه دارند فقط

یوم چهارشنبه غره قنچه

ساعت دیر فلک فرضیه قستی
گذرود و احترام الدوله ببادر را
تفصیلاً شناسی بخشیدند فرزند ان کاگاه
و سرداران ذمی وقار حاضر بارگاه
کردید آداب و کوشش معروض
کنایه نه شهر یاز مسند ارامی صاحب
شده محراب تسلیم باریابان بفرستند
ملاحظه نقشه جنگ و مورچه کدرانید
بیر فتح علیجان متوجه بسیر و تفرج
گردیدند و بودی خواص یوره
بر سگاه محل والا شریف بردند

و در اینجا فاتحه خوانده داخل مشکوفا
خسری کردیدند و حسب الحکم انور
مزار محمد ظهیر الدین ببادر را
افسران بلا تین جنگی شوره نمودند
نصف النهار حکام باید ارا
طعام کشته قتلوه گاه اراستند
بادای نماز پیشین و دیگر اشغال
و نشین عصر خوانند چندین
نهار باریابان در سگاه خسرو
حاضر شدند و عرض کنایه
که نشان بلین نو ملازم و سپاهیان
بر در دولت سراجیه ساکنند
قرب مغرب و بر در تبسج خا
رودنق افزون شده نشان و
نو ملازمان بلین فرمودند بعد
داخل ایوان شهر یاری کردیدند
بعد ادای مغرب احترام الدوله
ببادر را حسب معمول اندرین
محل والا باد فرمودند فقط

یوم پنجشنبه غره قنچه

به میدان سینه سحری فرزند
 باد او سودا نموده احترام الدوله
 بهادر را سعادت بنفس کشاید
 بخشیده جلوه فرمای سینه
 شده فرزند آن در آلتبار و امر
 ذمی الاقده حاضر در بار شده
 اداب و کور نشن سودا ساخته
 جلد از کین صفوف بپین و سار
 نسبته بسایه گل صا حقرانی تشنه
 بعد شنیدن عرض و معروض بارها
 متوجه سیر و تفریح جات بخش
 و متاب بانغ شده بعد ملاحظه
 فرمودند که این رودنده و گشتاسب
 فردگشی سواران و سپاهیان
 سراسر خراب و ربا دگشته
 و نجاست بر از مردمان معض
 می آمد بلکه لایق استادن بوام
 الناس نیست و جای کور دانی
 کرده حکم کرد در از اینجا
 جای دیگر قیام نمایند بعد
 مراجعت نموده در ارض ایوان

۶ ذیشان شده نه بمرز الجسر الدین
 بهادر حکم نفاذ یافت که افواج
 را برای مقابله مخالفین روانه
 سازند بر سفین الدوله بهادر
 خزان بشد که نسبت علیخان
 و خواجه بخش و ترن یار خان
 محلیان را از قلعه مبارک
 مسدود نمایند چنانچه خانه کور
 کار بند حکم اقدس گشت
 نصف النهار هنگام محبت پرا
 میده لحام گشته قتلوه گاه
 را استند مادی نماز پیشه
 و دیگر اشغال و نشین عصر
 که اردند احسین نهار حمله و بزه
 و قوزک حاضر در دولت
 کرده بعرض رسد که سپاهیان
 غارتن و سواران خارا نکلن
 که برای مقابله فوج مخالفین
 رفته بودند چون که دیگر فوج
 برای کمک تو اعانت برسید
 از جنگ و ایس آمده فرمودند

که فردا صبح مجد سواران و
سپاهیان جنگی مسلمانان
و گلیان بروند بعد مغرب
حسب معمول احترام الدوله
بها در را یاد کردند فقط

یوم جمعہ سوم بقعده

بادای سنن و فریضه آورده
احترام الدوله بهادر را شرف
بنفش شناسی بخشیده جلوه
افروز دیوان خاص کردید
اعیان حضرت وارکان دولت
نا صید ساهی بارگاه سلطنت
گشته ادا و کورنش مود
ساعت خست حکم و بلائز
ضیک مسدود حضرت توب
بظرف باغ بیت روانه شده
و دیگر سپاه بر آسے مقابل
مخالفین بدین بیرون شهر

رفتند بعد عرض و معروض
باری بان داخل ایوان پیشان
شدند نصف آنها سنگام
نعمت برای مایه طعام
گشته قیلوله گاه آراستند
باد اسے نماز نشین دیگر
اشغال و نشین عصر خوانده
آخرین نماز احترام الدوله
بها در را شرف بنفش
شناسی بخشیده بعد شنیدن
معروضاتش عرض شد
بعد ازان معین الدوله
نظارت خان و مظهر الدوله
و کینمان سر افرایه الدوله
و لدا علیخان و شمس
الدوله بخشی کتف خان
و غیاث الدوله حکیم رضی اللہ
خان و میر عدل بهادار
و سعید الدوله مولد سے
یوسف علیخان و نجم
الدوله محمد اسد اللہ خان

۸
 بحسان دوران و در کبر
 انگاران و امیران بدنه
 نشان جبهه سباسبه
 بارگاه سلیمان شده
 ادواب و کورنش عرض
 کنایه ندمه شرف نصرت
 مشرت کشتند بمرزا ظهیر
 الدین به ساد را شاید
 شده که با فسران پلاش
 تا کب سارند که خلد
 بر آسے مقادیر مخالفان
 خارج آشنگ که مسکن
 و ماوا در شیب جبل
 دارند و بر قله کوه بوها
 قائم ساخته خندان بهوشیار
 و خرم کارکنند که ز بهار
 بفریب و خدع نیایند و
 معاونت دیگرے نمایند
 بعد بودایے مغرب
 سیر شمن بیج داخل محل
 والاشان شدند خط

کنگراران بحسان
 و امیران
 و کورنش
 و کورنش
 و کورنش